

برزخ و حیات پس از مرگ

برزخ در لغت به معنای زمین و یا مکانی است که برزخ؛ حیات پس از مرگ بین دو چیز فاصله انداخته است. اما برزخ در اصطلاح قرآن، روایات و مجموعه تعالیم اسلامی به معنای عالم پس از مرگ و حدفاصل بین دنیا و آخرت است. شاید بتوان ادعا کرد که برزخ بدین معنا نخستین بار در تعالیم اسلامی و قرآن کریم استعمال گردیده است. این واژه تنها یک بار در قرآن آمده و در آن، حال انسان های تبهکار و مجرم، هنگام فرا رسیدن مرگ و درخواست غیرقابل قبول آنان مبنی بر بازگشت به دنیا و پاسخ آنان به اینکه فرا روی ایشان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند، گزارش شده است: «حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون لعلی اعمل صلحا فیما ترکت کلا انها کلمه هو قائلها و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون».

علاوه بر آیه مزبور، آیات دیگری را می توان یافت که به نوعی بر حقایق برزخی دلالت داشته و برای اثبات عالم پس از مرگ قابل استفاده است.

در این آیات به موضوعات ذیل پرداخته شده است: ادامه حیات شهیدان پس از مرگ؛ احوال ارواح انسان ها هنگام انتقال از زندگی دنیوی به سرای دیگر؛ سرگذشت انسان ها پس از مرگ به همراه برخی خصوصیات و نحوه حیات آنها؛ تعدد حیات و مرگ.

برزخ در حقیقت ادامه وجود عالم دنیا و استمرار حیات انسان پس از مرگ است، هر چند برخی از خصوصیات عالم دنیا از جمله امکان کسب اختیاری کمالات علمی در آنجا وجود ندارد. از این رو برخی بر این عقیده اند که فلسفه خلقت عالم برزخ که در میان دنیا و آخرت قرار گرفته مانند: فلسفه هر مرحله متوسط دیگر است که از یک سو زمینه ای برای آمادگی حضور در طرف دیگر ایجاد می کند، و از سوی دیگر از آنجا که قیامت برای همه انسان های طول اعصار، در یک روز تحقق می یابد راهی جز آن نیست که آنهايي که مرده اند در عالمی به انتظار باشند تا به همراه انسان های دیگر به عرصه قیامت وارد شوند.

حقیقت برزخ

حقیقت عالم برزخ همان چیزی است که فیلسوفان در میان عوالم وجود از آن به «عالم مثال» تعبیر می کنند که مجرد از ماده است و برخی از عوارض مادی چون شکل و مقدار را داراست از نظر مرتبه بین عالم ماده و عالم عقل قرار گرفته است.

و انسان بعد از مرگ تا بر پایی قیامت در آن حیات خواهد داشت و هم اکنون نیز محیط به انسان هاست، چنان که از برخی نقل شده که از کلمه وراء در آیه «و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون» معنای احاطه را استفاده نموده اند.

با ملاحظه برخی آیات قرآن شواهدی می توان یافت که بدن برزخی به لحاظ خصوصیت شبیه بدن دنیایی است و نفس به آن تعلق پیدا می کند. «و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون» در روایتی از امام صادق آمده که: روح پس از مرگ به بدنی مانند بدن دنیوی منتقل می شود... روایات دیگری نیز به همین مضمون وجود دارد که برخی برای تطبیق آن ها با بدن مثالی تلاش نموده اند. بعضی نیز معتقدند که روایات خاص و عام با هم تنافی دارند مبنی بر اینکه روح بعد از مفارقت بدن به اجسامی که در نهایت لطافت هستند تعلق می گیرد. در پاسخ باید گفت که این اجسام شبیه جسم جن و شبیه بدن عنصری هستند به نحوی که اگر کسی او را ببیند می گوید این همان شخصی است که در دنیا او را دیدیم.

اثبات برزخ

برخی گفته اند اصولاً مسئله برزخ ماهیت نقلی دارد و عقل به آن راهی ندارد. با این حال بعضی بر این عقیده اند که علاوه بر ادله نقلی، دلایل عقلی نیز می تواند ثواب و عقاب برزخی را اثبات کند. البته تجزیه و تحلیل ادله یاد شده نشان می دهد که این ادله بیش از آنکه ضرورت برزخ را اثبات کند امکان آن را ثابت می کند. در هر حال این نکته درخور توجه است که تبیین عقلی نوعی بقا برای انسان در قالب بقای روح که استمرار وجودی انسان را پس از مرگ تضمین کند، از پیش فرض های مسلم پذیرش عقلانی برزخ است، هر چند در این بیان برخی احتمال پذیرش حقیقت حیات برزخی را بدون پذیرفتن حقیقتی به نام روح و نفس برای انسان را نیز مطرح کرده اند.

افزون بر این، برای اثبات برزخ ممکن است به ادله تجربی وحسی با استفاده از روش هایی که می توان با ارواح گذشتگان ارتباط برقرار کرد نیز بهره گرفت، این روش ها که در علمی به نام فراروانشناسی ارائه می گردد، اثبات می کند که برای مردگان، نوعی حیات و زندگی تحقق دارد که همان برزخ است. توجه به این نکته نیز لازم است که خواه دلیل عقلی را در اثبات حیات برزخی بپذیریم خواه آن را ناتمام بدانیم، در هر صورت، اصل این مساله در مجموعه معارف اسلامی امری روشن است و از همین روی برخی از صاحب نظران احتمال ضروری بودن آن را بعید ندانسته اند. به عقیده برخی از محققان، مساله حیات برزخی در اواسط عهد رسول خدا از ضروریات قرآنی نبوده و حتی امروزه نیز برخی از مسلمانان که نفس انسان را مجرد نمی دانند، به نوعی این حقیقت را نمی پذیرند. به هر حال مهم ترین دلایل حیات برزخی، آیات و روایات است که در ذیل به بررسی آیات الهی در این باره می پردازیم:

برزخ، حقیقتی است که ورای انسان ها قرار دارد. برخی وراء را به معنای پشت و ورائی بودن برزخ را به منزله مانعی از بازگشت به دنیا دانسته اند و برخی دیگر وراء را به معنای جلو دانسته و از آیه چنین استفاده کرده اند که برزخ حقیقتی است که انسان ها در پیش رو دارند. در این میان اکثر مفسران معنای دوم را ترجیح داده اند، در تایید این نظر گرفته شده که قید «الی یوم یبعثون» به روشنی دلالت بر این نکته دارد که کلمه «وراء» به معنای پیش رو و جلو است؛ زیرا اگر آن را به معنای پشت بدانیم، قید مذکور لغو خواهد بود.

۲- پایان حیات دنیا

شروع حیات دیگر

گذشته از مضمون آیه «کل نفس دائقه الموت» که گفته شده به روشنی بر حیات برزخی دلالت دارد؛ زیرا اگر نفس دارای حیات نباشد چشیدن مرگ معنا ندارد. برخی از آیات بدون نام بردن از عالمی خاص به ادامه زندگی انسان پس از مرگ اشاره دارد؛ مانند آنچه درباره شهیدان آمده که کسانی را که در راه خدا کشته شدند مرده مپندارید، ایشان زندگانند و نزد خداوند روزی داده می شوند، به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند شادی می کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می شوند. گفته شده آیه یادشده به روشنی دلالت دارد که حیات برزخی مقارن با حیات دنیوی کسانی است که هنوز به آن عالم ملحق نشده اند؛ اعتراف مجرمان در رستخیز به اینکه ما جز ساعتی درنگ نکردیم؛ «ما لبثوا غیرساعه» با توجه به اینکه درنگ آنان تا قیامت استمرار داشته است دلالت بر بقای حقیقت انسانی در ظرفی خاص دارد که همان حیات برزخی است.

۳- لذت و رنج پس از مرگ

افزون بر آیات پیش گفته که نوعی نعمت و روزی دادن به شهدا را یادآور شده است مضمون برخی دیگر از آیات نیز به روشنی بر حیات برزخی و متنعم بودن بعضی از انسانها در قبر دلالت دارد. همچون گفته شهیدی که داستان آن در سوره یس آمده که چون به وی گفته شد: به بهشت در آی، گفت: ای کاش قوم من از این همه رحمت الهی باخبر می شدند. بدیهی است که اگر اینها مرده و فاقد حیات باشند، درکی ندارند تا لذت ببرند و متنعم باشند در حالی که طبق آیات موجود، شهیدان از نعمت های بهشتی و تفضلات ربوبی متنعم می گردند. برخی از متکلمان نیز در مباحث حیات برزخی از این گروه

آیات برای اثبات برزخ بهره گرفته اند و بعضی از آنان خواسته اند دلالت عام آیات یادشده بر حیات برزخ برای همه انسانها را انکار و آن را محدود به حیات شهیدان بدانند. که البته دلیلی بر اختصاص مفاد آیه به شهیدان وجود ندارد.

شمار دیگری از آیات نیز با حروف عطف که نافی هرگونه فاصله و تراخی است حالتی از حیات را برای انتقال یافتگان از زندگی دنیا ترسیم می کنند که از این آیات نیز برای اثبات برزخ استفاده شده است مانند وارد شدن قوم نوح(ع) در آتش یا غرق شدن آنان در آب؛ «مما خطیبتهم اغرقوا فادخلوا نارالله». کلمه «ماء» در این آیه دلالت بر تعقیب بدون فاصله دارد و روشن است که ورود در آتش وجهی ندارد مگر برای عذاب. در برخی از آیات نیز هرچند نتوان عدم تراخی را از حرف عطف استفاده کرد، اما به مدد روایات می توان از آنها برای اثبات برزخ بهره گرفت. از امام صادق(ع) ذیل آیه «فاما ان كان من المقربین» ﴿فروح و ریحان و جنت نعیم﴾ نقل شده است که روح و ریحان در قبر است و نعیم در آخرت. در این آیه نیز نعمتهای بهشتی در برزخ بلافاصله برای انسانها ترسیم گردیده است. برخی آیه یادشده را با توجه به آیه «فلولا اذا بلغت الحلقوم» ﴿و انتم حينئذ تنظرون﴾ از دلائل اثبات برزخ برشمرده و گفته اند: روح و ریحان بدون فاصله پس از مرگ نصیب انسان می شود و انسان روح و ریحان را پس از مرگ ملاقات می کند و برخی معتقدند این ملاقات در آخرت روی می دهد. عده ای نیز آیات «یاایتها النفس المطمئنه ﴿ارجعی الی ربک راضیه مرضیه﴾ ﴿فادخلی فی عبدی﴾ و ادخلی جنتی» را به جهت بیان انتقال بدون فاصله (فادخلی) دلیل بر حیات برزخی دانسته اند. که البته دلالت انحصاری این آیات بر حیات برزخی به روشنی آیات پیشین نیست.

۴- گفتگوی فرشتگان با ارواح انسانها هنگام مرگ

قرآن کریم بیان می دارد که فرشتگان با ارواح مؤمنان و انسانهای صالح به هنگام مرگ و همزمان با ورود به عالم پس از مرگ سخن گفته و ایشان را به ورود در بهشت بشارت می دهند و نیز از انسانهای ظالم بازخواست می کنند و به هنگام گرفتن جان کافران به روی و پشت آنان می زنند و به آنها می گویند عذاب سوزان را بچشید و به ظالمان می گویند جانهای خود را برآرید. در برخی آثار به آیات یادشده برای اثبات برزخ استدلال شده است.

۵- وجوب شب و روز

بعد از مرگ

اثبات برخی ویژگی ها برای حیات پس از مرگ در آیاتی از جمله وجود شب و روز در فراز قرآنی «النار یعرضون علیها غدوا و عشیا...» نشان می دهد که مراد از آن حیات برزخی است؛ زیرا براساس روایات اهل سنت(ع) که متکلمین نیز از آنها استفاده

کرده اند در قیامت شب و روزی وجود ندارد. از این رو، باید گفت عذاب مذکور در آیه مربوط به حیات برزخی است. البته برخی در تفسیر این فراز گفته اند که این تعبیر بدین معنا نیست که لزوماً در برزخ شب و روز وجود داشته باشد بلکه می توان گفت عذاب فرعون و پیروان او پس از مرگ مقارن با شب و روز دنیوی است و عذاب آنها با ظرف زمانی دنیا سنجیده شده است. گروهی نیز از عطف جمله «و یوم تقوم الساعة...» به قبل آن در آیه یادشده، استفاده کرده اند که عذابی که در جمله قبل از آن سخن به میان آمده و شب و روز در آن مطرح گردیده، عذابی است که قبل از هنگامه قیامت بر مجرمان وارد می شود.

بعضی از محققان آیه «ولهم رزقهم فیها بکره و عسیا» را نیز به دلیل مطرح کردن صبح و شام مربوط به حیات برزخی دانسته اند. و برخی هم مراد از شب و روز در آیات یادشده را کنایه از دوام عذاب و پاداش دانسته اند.

۶- تعدد حیات و مرگ

سخن از تعدد حیات و موت و بیان تعداد آنها در برخی آیات نیز از دیگر دلایل اثبات برزخ برشمرده شده است؛ «کیف تکفرون بالله و کنتم اموتا فاحیکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم الیه ترجعون» از جمله «ثم الیه ترجعون» می توان برداشت کرد که مرگ و حیات دوم مربوط به حیات برزخی است؛ زیرا عبارت مذکور به روشنی دلالت بر برانگیخته شدن اخروی (قیامت) دارد. عده از نویسندگان نیز با پذیرفتن همین نظر، دلیل آن را عطف با «ثم» - که فاصله و تراخی را می رساند - دانسته اند. برای این تفسیر در جوامع روایی نیز می توان شواهدی یافت نظیر استدلال به آیه ۱۱ سوره غافر که فرموده: «قالوا ربنا امتنا اثنتین و احببتنا اثنتین فاعترفنا بذنوبنا فهل الی خروج من سبیل». البته فرق بین دو آیه کاملاً مشهود است؛ زیرا در آیه نخست از مرگ اول به «کنتم امواتاً» تعبیر شده که به راحتی یا با اندکی تأمل می تواند بر دوره پیش از تعلق روح تطبیق کند، اما در آیه دوم موت در قالب لفظ «اماته» طرح گردیده که به معنای میراندن است و تطبیق آن بر دوره پیش از حیات دنیوی دشوار است. از این رو، بهتر آن می نماید که میراندن اول به مرگ بعد از حیات دنیوی و میراندن دوم به مرگ پس از حیات برزخی برگردد. به گفته برخی، غالب علما بر همین اساس به این آیه برای اثبات برزخ استدلال کرده اند.

در این میان منکران دلالت آیه و نیز منکران عذاب قبر گفته اند که در این دو آیه سخن از دو مرگ و دو حیات رفته است نه سه مرگ و سه حیات. «ابن مسعود»، «ابن عباس»، «قتاده»، و «ضحاک» بر این عقیده اند که آیات مذکور تنها به حیات دنیوی و اخروی اشاره دارد و در میان متقدمین تنها «سدی» دلالت آیه را بر حیات برزخی تمام می داند. کسانی که آیه را مربوط به حیات دنیوی و اخروی می دانند و دلالت آن را بر حیات برزخی انکار می کنند، برای حل مشکل لفظ «اماته» که

با بی جان بودن در دوره قبل از تعلق روح سازگار نیست، به مجاز و کنایه روی آورده اند. ایشان بر این عقیده اند که همان طور که در مثال گفته می شود «ضیق فم الرکیه» با آن که دهانه چاه وسیع نیست به چاه کن گفته می شود که دهانه آن را تنگ کن همین طور هم با آن که شخص قبل از آمدن به دنیا چیزی نبوده لفظ اماته بر او صادق است.»

برخی از اندیشمندان این توجیهات را نوعی تکلف دانسته و گفته اند این آیه در خصوص حیات برزخی و اخروی است و ارتباطی با حیات دنیوی ندارد. ایشان با توجه به قرینه کلامی موجود می گویند این آیه بیانگر سخن کافران در دوزخ اخروی است و آنها چون از انکار خود در طول زندگی دنیوی پشیمان شده اند، حال در قیامت به آنچه منکر شده اند با زبان عجز اقرار می کنند. روشن است که آنها در عالم دنیا حیات دنیوی خویش را منکر نبوده اند بلکه حیات برزخی و اخروی را منکر شده اند. این تفسیر از سوی برخی چنین مورد نقد قرار گرفته که کافران در حیات دنیوی نیز احیاء و خلق خویش را از هیچ و عدم توسط خداوند متعال منکر بوده اند و اقرار مذکور در قیامت می تواند به همین نکته برگردد.

افزون بر آیاتی که تاکنون ذکر گردید آیات دیگری نیز از سوی مفسران و متفکران به عنوان آیات مربوط به برزخ طرح گردیده که دلالتشان بر حیات برزخی به وضوح آیات سابق نیست که ذیلا به برخی از این موارد اشاره می شود از جمله: «ولنذیقنهم من العذاب الادی دون العذاب الاکبر» گفته شده عذاب ادنی مربوط به عذاب قبر و دنیا است و برخی آن را فقط عذاب دنیوی دانسته اند. در این میان برخی آیات مانند آیات ۲۱ تا ۲۵ سوره فرقان نیز با قرینه آیاتی دیگر بر حالات برزخ دلالت دارد. این آیات در مورد کسانی است که به پیامبر اعتراض می کردند و به عنوان بهانه می گفتند چرا ملائکه بر ما نازل نمی شود. خداوند در پاسخ ایشان می فرماید روزی که ایشان ملائکه را ببینند، روز خوشی برای آنها نخواهد بود. این آیات با توجه به آیات ۹۳ و ۱۹۳ سوره نساء که برخورد شدید ملائکه را با مجرمان هنگام مرگ و در حیات برزخی مطرح می کند می تواند در دسته آیات دلالت کننده بر حیات برزخی قرار گیرد. در احادیث نبوی نیز برخی از آیات با وقایع برزخ تطبیق شده است؛ از رسول خدا (ص) ذیل آیه «یثبت الله الذین ءامنوا بالقول الثابت»^۷ نقل شده که آیه در مورد قبر است هنگامی که شخص مرده مورد سؤال قرار می گیرد، با توجه به همین روایت گفته شده در قرآن گاهی آخرت به معنای برزخ می آید. به رغم اثبات برزخ با تمسک به آیات یاد شده، برخی با تمسک به ظاهر بعضی از آیات در وجود عالم برزخ تشکیک کرده اند، از جمله آیه «لا یدوقون فیها الموت الا الموته الاولی» که دلالت بر مرگ واحد دارد. در جواب این شبهه گفته شده که این آیه مربوط به بهشت آخرت است و مراد آن است که ایشان در بهشت طعم مرگ را نخواهند چشید.

آیه دیگری که ممکن است مورد استدلال منکران قرار گیرد آیه «قالوا یویلنا من بعثنا من مردنا» است که بیان می‌دارد در قیامت، شخص به یک باره از قبر زنده می‌شود بدون اینکه حیاتی را در قبر تجربه کرده باشد. در پاسخ این شبهه نیز گفته شده که آیه دلالتی بر نفی حیات برزخی ندارد؛ زیرا ممکن است عذاب قبر متصل به قیامت نباشد و یا اینکه به جهت عظمت واقعه قیامت گفته می‌شود که گویا از خواب بیدار شده ایم. برخی از معتزله نیز به آیه «انما توفون اجورکم یوم القیمه» استدلال کرده و گفته اند جایگاه عذاب و ثواب تنها قیامت است. در پاسخ به این نظر آمده که «توفیه» در این آیه به معنای تکمیل است؛ پس قسمتی از عذاب در برزخ است و تکمیل آن در قیامت صورت می‌گیرد. اما منکران برزخ، به دلیل جهان بینی مادی خود تمام حقائق موجودات عالم را در مادیات منحصر می‌دانند و قدرت خداوند و حقیقت روحانی انسان را انکار می‌کنند و به طور کلی منکر عالم پس از مرگ بوده و دلیل آن را از بین رفتن بدن انسان می‌دانند که البته اولین قدم برای پاسخ به این گروه و اثبات امکان زندگی پس از مرگ، ثابت نمودن حقیقت روح و تجرد نفس و بقای آن است که متفکران و مفسران نیز همین مسیر را طی کرده اند.

ویژگی های برزخ

۱- شباهت به عالم رویا

در برخی آیات، حالت پس از مرگ به حالت خواب رفتن انسانها تشبیه شده است؛ «الله یتوفی الانفس حین موتها و التی لم تمت فی منامها فیمسک التی قضی علیها الموت و یرسل الاخری الی اجل مسمی ان فی ذلک لایت لقوم یتفکرون» در برخی روایات نیز آمده است: خواب برادر مرگ است. برخی گفته اند بعید نیست روح انسان به هنگام خواب به جسم مثالی برگردد؛ زیرا در روایات، برزخ به حالت خواب تشبیه شده است.»

۲- برزخ از سنخ دنیا

در قیامت سؤال می‌شود به شمار سالها چه مدت در زمین درنگ کردید؟ در پاسخ گفته می‌شود: یک روز یا پاره ای از روز؛ «قل کم لبثتم فی الارض عدد سنین» قالوا لبثنا یوما او بعض یوم» از این سؤال و پاسخ چنین برداشت شده که مکث در برزخ از نظر قرآن مکث در زمین به شمار آمده است. برخی از محققان برای اثبات این مدعا به آیه «ولکم فی الارض مستقر و متع الی حین» تمسک کرده و گفته اند از آنجا که «حین» در روایات به روز قیامت معنا شده می‌توان فهمید مدت بقا در برزخ نیز جزوی از بقا در زمین دانسته شده است، همچنان که «ارض» در آیه «ثم اذا دعاکم دعوه من الارض» به قبر تفسیر شده و از جنت برزخی به جنت دنیا تعبیر شده است. البته باید توجه داشت که مراد از قبر یاد شده محل دفن، انسان نیست

بلکه حقیقت دیگری است که متفکران اسلامی آن را به شیوه های گوناگون تبیین و تفسیر کرده اند، با این حال از مضامین روایات به روشنی برمی آید که قبر به معنای محل دفن ارتباط مستقیم و غیرقابل انکاری با عالم قبر به معنای برزخ دارد که گونه هایی از این ارتباط را در همین کتاب ها می توان یافت. همچنین در برخی روایات ارتباط خاصی بین برخی از مکان هایی در زمین با جایگاه ارواح پس از مرگ مطرح گردیده و گفته شده است که مومن پس از مرگ، روحش در شرق و غرب عالم به محل وادی السلام وارد می شود و در برخی روایات دیگر نیز جایگاه ارواح کافران وادی برهوت در حضر موت دانسته شده است.

۳- کوتاه بودن برزخ

در مقایسه با آخرت

از منظر آیات قرآن، مجموع حیات دنیوی و برزخی هنگامی که انسان از جایگاهی بالاتر (آخرت) به آن نگاه می کند، بسیار کوتاه است؛ «قل ان لبثتم الا قليلا لو انکم کنتم تعلمون». البته کوتاه بودن برزخ و دنیا از آن جهت است که آنها متناهی هستند، برخلاف حیات اخروی که این گونه نیست، بعضی از مفسران آیه ۵۵ سوره روم را مربوط به برزخ دانسته و برخی دیگر آیه «وتظنون ان لبثتم الا قليلا» را در مورد بهشتیان دانسته و گفته اند ایشان به خاطر تنعم فراوان در بهشت برزخی توقف در آن را کوتاه تصور می کنند. به هر حال از دیدگاه قرآن مسلم است که مجموع حیات دنیا و برزخ، بخش بسیار ناچیزی از مجموعه حیات انسان را تشکیل می دهد.

از دیگر ویژگی های برزخ می توان به عمومیت آن (مومنون/۲۳، ۱۰۰)، بروز و ظهور عقاید و اعمال و خلقیات دنیوی در آن، سؤال قبر (ابراهیم/۱۴، ۲۷)؛ فشار قبر و نیز ارتباط اهل برزخ با یکدیگر و با عالم دنیا اشاره کرد که در روایات به تفصیل از آنها سخنی به میان آمده است.